



## عناصر فرهنگی توسعه از منظر دین

○ سید هادی حسینی

زیربنای رفتاری هر جامعه و هر نوع پیشرفت مادی و معنوی آن، مرهون فرهنگ حاکم بر آن جامعه است. فرهنگ کار و تلاش، نظم و انضباط راستی و درستکاری، عدالت خواهی، ظلم ستیزی، همبستگی اجتماعی و نوع دوستی، قانون گرایی، علم محوری، خرداندیشی، انعطاف پذیری آگاهانه با انگیزه در مواجهه با کاستی ها... جامعه را به سوی پویایی، شادابی، بهزیستی و زندگی دلپذیر سوق می دهد و فرهنگ تن آسایی، بی نظمی، قانون شکنی، عیاشی، دروغ گویی، ستم پذیری، انتقام جویی، سطحی نگری، خرافه پرستی... جامعه را دچار عقب ماندگی، ضعف و نابسامانی می کند.

از منظر دین، غایت توسعه فرهنگی، نهادی شدن اصول دین و رونق ارزش های منبعث از آن در جامعه است. هدف از آموزه های دینی به کمال رساندن انسان است، روندی که آدمی را بر بنیادای انسانیت نایل می سازد، به گونه ای که به نجات رسد و طبعاً در آرامش، صفا و آسایش

زیست کند، و آسوده خاطر و امیدوارانه پهنه جهان فانی را در نوردد.

پیش از آن که برخی از عناصر فرهنگی دین را به طور فشرده یادآوری کنیم، به جاست چند نکته را مورد توجه قرار دهیم:

۱. شاخص های فرهنگی دین بر یکدیگر اثر می گذارند، و از هم اثر می پذیرند، به میزان آگاهی افراد جامعه از این شاخص ها و درونی شدن آنها در جامعه، سطح رشد فرهنگی قابل ارزیابی است. چنانچه نا آگاهی افراد به رهنمودهای دینی در این زمینه، نمایی از واپس گرایی و انحراف در مسیر دین باوری تلقی می شود.

۲. عناصر فرهنگی دین ایستاد پذیرند. به عنوان نمونه: خدا محوری، ظلم ستیزی، راستی، پایبندی به عهد و قرارداد در حیات فردی و مناسبات اجتماعی عرصه های گسترده ای را در بر می گیرند، انسان و یا مجموعه ای از انسان ها (جامعه) هر اندازه مواظبت و تلاش کنند،

نمی‌توانند ادعا کنند که به نهایت خدامحوری، راستی... دست یافته‌اند. این پدیده یکی از رموز پویایی توسعه فرهنگی دینی را نشان می‌دهد.

۳. پیداست که نفس انسان به خواسته‌های دنیاگرا، و خودمحورانه تمایل دارد، با خوی حیوانی امتزاج یافته است، در صورت تعلیم و تربیت نادرست، به زشتی، نادرستی، گسترش فساد و فحش‌های گریزد، و از این روبرو آدمی است با خواسته‌های فسادانگیز خود درافتد، با هواهای نفسانی خود مخالفت کند و فضیلت‌ها را برزفیلت‌ها چیره سازد. این حقیقت در قرآن آمده است که: «ان النفس لاماره بالسوء» نفس همواره انسان را به سوی ارتکاب زشتی‌ها و نارواها فرامی‌خواند.

در تعلیم حدیثی نیز این امر مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی (ع) می‌گوید:

«النفس مجبوله علی سوء الادب، والعبء بمأمر بملازمه حسن الادب، والنفس تجری بطبعها فی میدان المخالفه، والعبء یجهد بردها عن سوء المطالبه، فمتی اطلق عنانها فهو شریک فی فسادها، ومن اعان نفسه فی هوی نفسه فقد اشرك نفسه فی قتل نفسه»<sup>۲</sup> ناهنجاری و زشتی در خمیرمایه انسان هست، نفس، خواهان خلاف کاری (و ناخت و تاز در وادی حیوان صفتی) است. آدمی وظیفه دارد ادب و رفتار انسانی را در خود درونی سازد، نفس را از نابایست‌ها باز دارد. اگر انسان نفس را به حال خود رها سازد، در فساد آن شریک است، و اگر در این مسیر با نفس همگام گردد و از هوای نفس پیروی کند، خود در هلاکت خویش شرکت کرده است.

۴. با توجه به این سه نکته می‌توان رسالت سنگین حوزویان را در راستای تعالی فرهنگی جامعه، دریافت، وجود آنان در هر موقعیت و مقام به عنوان پیشگامان جامعه دینی و نمونه‌های عینی تربیت یافته تعلیم دینی با مسوولیتی بس سنگین همراه است، در نخستین گام آنان می‌بایست آموزه‌های دینی را در گستره‌های مختلف حیات آدمی به اندازه کافی و لازم فرا گیرند و در خود نهادینه سازند، به گونه‌ای که هر حرکت، واکنش و اقدام آنان، فرهنگ دین را انعکاس دهد، و در عمل مردمان را به سوی آنچه فرهنگ دین نامیده می‌شود رهنمون گردد. از سویی آنان با توجه به ارتباطات صمیمی که با مردم دارند، و در اجتماعات حضور می‌یابند، و

در مراسم مختلف به هدایت مردم می‌پردازند، باید همواره عناصر فرهنگی دین را به مردمان یادآور شوند و آنان را به پای بندی به این عناصر فراخوانند، و با استفاده از تعالیم بسیار فراوان دین در این زمینه‌ها، حقیقت حیات انسانی و خواسته‌های دین را برای دستیابی آدمی به کمال و سعادت به آنان بنمایانند. و یادآور گردند که آنچه را امروز به نام قانون‌گرایی، نظم، آزادی، احترام به انسان‌ها، راستی، عقلانیت، دانش‌پژوهی و... در جهان پیشرفته مطرح است، قرن‌های پیشتر از آن در آیین اسلام مطرح گشته، و به علت خوی سلطه جویانه حاکمان مستمگر و اهداف خود محورانه آنان زمینه ظهور نیافته است.

رهنمودهای دین برای تولد انسان رشد یافته و انسانی که فرهنگ دین در آن تجسم یابد، فراوان است، در این نوشتار برخی از آنها از نظر می‌گذرد:

### ۱. ایمان باوری، خدامحوری: نماد توسعه

اساسی‌ترین نماد توسعه فرهنگی - دینی ایمان به خداست، بایسته است این ایمان به گونه‌ای تاز و بود انسان دیندار را فرا گیرد که آمیزه جانش شود و در همه اعمال و رفتار او متبلور گردد، و بر آداب اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی و خدمت‌های هر حرکت و سکون او سیطره افکند، و هیچ چیز و هیچ کس نتواند در حیات خداپورانه او تزلزل ایجاد کند، و او را از مسیر رشد و تعالی باز دارد.

روشن است که ایمان به خدا خاستگاه شکل‌گیری دیگر عناصر فرهنگی همچون: امانت‌داری، وفاداری، قانون‌گرایی، امید و... به حساب می‌آید و وجه تعالیز فرهنگ دین از دیگر فرهنگ‌ها و رسوم اجتماعی است، و در پرتو آن رفتارها معنای درست می‌یابد و نشاط انگیز و تعالی بخش می‌گردد، و از آن جا که با جلودانگی انسان را پیوند می‌دهد در وجود آدمی روح حیات و پویایی می‌دمد، و کمیث و کیفیت عملکردها را در او دوچندان می‌سازد.

### ۲. نفی ستم‌پذیری و سیطره ظالمانه

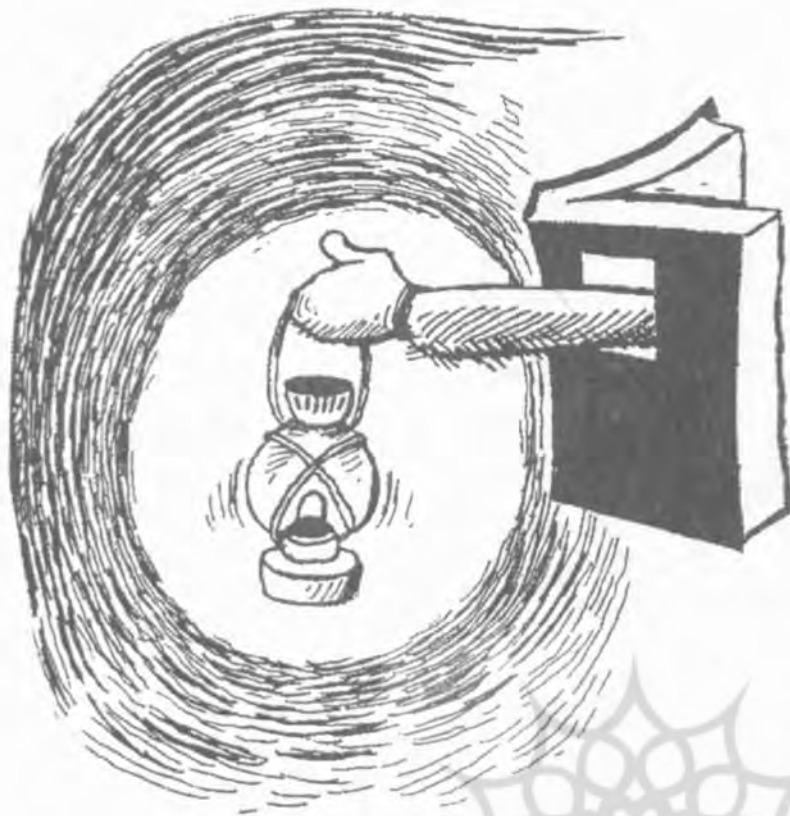
از آن جا که ستمگری ریشه نابسامانی‌ها و رذالت‌هاست، و به اقوال فعالیت‌های مثبت در جامعه می‌انجامد، عامل از دست رفتن نعمت‌ها و فروپاشی حکومت‌هاست، و انحرافی است در

● از منظر دین، غایت توسعه فرهنگی، نهادی شدن اصول دین و رونق ارزش‌های منبعث از آن در جامعه است. هدف از آموزه‌های دینی به کمال رساندن انسان است، روندی که آدمی را بر بلندای انسانیت نایل می‌سازد، به گونه‌ای که به نجات رسد و طبعا در آرامش، صفا و آسایش زیست کند، و آسوده خاطر و امیدوارانه پهنه جهان فانی را درنوردد.

● عناصر فرهنگی دین ایستادناپذیرند. به عنوان نمونه، خدامحوری، ظلم‌ستیزی، راستی، پایبندی به عهد و قرارداد در حیات فردی و مناسبات اجتماعی عرصه‌های گسترده‌ای را در بر می‌گیرند، انسان و یا مجموعه‌ای از انسان‌ها (جامعه) هر اندازه مواظبت و تلاش کنند، نمی‌توانند ادعا کنند که به نهایت خدامحوری،

راستی... دست یافته‌اند. این پدیده یکی از رموز پویایی توسعه فرهنگی دینی را نشان می‌دهد.

● باید همواره عناصر فرهنگی دین را به مردمان یادآور شوند و آنان را به پای بندی به این عناصر فراخوانند، و با استفاده از تعالیم بسیار فراوان دین در این زمینه‌ها، حقیقت حیات انسانی و خواسته‌های دین را برای دستیابی آدمی به کمال و سعادت به آنان بنمایانند.



مسیر رشد و تعالی، و سدی در برابر پیشرفت به حساب می آید، در فرهنگ دین به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است و گناهی بزرگ و نابخشودنی دانسته شده است. در این نگاه به دیگران ظلم کردن، به ظلم تن دادن، و به توجیه ظلم ظالمان پرداختن، همه حرکت به سوی ظلمت است، و شتاب در کویر هلاکت. هر اندازه شاخص های ظلم در جامعه ای بارزتر باشد و بیشتر ملموس گردد پیامدهای زیانبار آن نیز فزون تر است. و ناشایست ترین ظلم ها، ستمی است که در حق ناتوانان، بزرگان و کسانی که به آدمی اعتماد کرده اند، اعمال شود.

در تعالیم دین ظلم، به این دانسته شده است که انسان توان تحرک و رشد را از مادون خود بیستاند و او را در سیطره خویش در آورد، نسبت به قدرت مشروع ما فوق خود نافرمانی و سرکشی در پیش گیرد، و ستمگران رایاری رساند. و با پذیرش کارها و ارائه خدمات به آنان موجبات سلطه آنها را فراهم آورد. ظلم و ستم خود را عدالت نگارد و مانع اجرای عدالت در حق پایمال کنندگان حقوق مردمان شود.

دین هشدار می دهد که نادیده انگاشتن حقوق مردم و ظلم به آنان دشمنی با خداست. و سرانجام روزی فرامی رسد که ظالمان به شدت بازرسی و حسابرسی می شوند و سختی این روز بسی بیشتر از ستمی است که مظلوم تحمل کرده است.

### ۳. فرهنگ راستی و درستکاری

فرهنگ دین، فرهنگ راستی و درستکاری است. راستی پایه ایمان، نشانه پرهیزکاری، مایه عزت، و عامل اصلی سامان یابی کارهاست. و از این رو راه نجات از دشواری ها دانسته شده، و همتای حق و عدل به حساب آمده است. و به عنوان عنصری که سخن را می آراید، و به کلام جان می دهد، و فعالیت ها را رونق می بخشد معرفی شده است، و به فرموده پیامبر اسلام (همواره) برکت زا و خجسته است: «الصدق مبارک».<sup>۳</sup>

دین، رشد و تعالی جامعه را در گرو رواج فرهنگ راستی و درستکاری در آن می داند. در تعالیم دین آمده است، مسلمان کسی است که راست گفتار و درست کردار باشد. بازاری، اسلامی است که در آن راستی و درستکاری معیار قرار گیرد، و تولید عاری از غش و دغلکاری به دست

که راست گفتارتر باشد.

### ۴. کار و تلاش

تن آسایی و بیکاری و افول فعالیت های اقتصادی سازنده، فرد و جامعه را به شدت آسیب پذیر می سازد، نفس بیکاری فسادزاست، این است که: کار و تلاش در فرهنگ دین ضرورتی است اجتناب ناپذیر و همه لحظات زندگی را در بر می گیرد، و زن و مرد نمی شناسد، و گوهر ذاتی انسان را می نمایاند.

بر اساس تعالیم دینی، ایمان عاری از کار و تلاش معنای درست ندارد و عبادتی که بنیان آن را بیکارگی شکل دهد، کج اندیشی است، و بایسته نیست انسان حتی در سخت ترین شرایط فعالیت اقتصادی سازنده را رها کند و به درخواست کمک از دیگران و نکدی رو آورد. در بینش دین فردی که برای پاسخگویی به نیازهای مادی خود تلاش نکند ملعون است، و در وادی فروش دین برای تأمین دنیا می افتد و باری بردوش جامعه می شود.

کار و تلاش سازنده، خواست خدا، سیره انبیا و بزرگان و مددکار دین است، از ابزارهای مهم

مصرف کننده برسد، کسی از ارزش ها و مقدسات دین ناچوا نمردانه در راستای سودجویی و فریب مردم استفاده نکند، و با دین فروشی به حیات اقتصادی خویش سامان ندهد.

و از سوی راستی در این است که انسان با هموعان و برادران ایمانی خود شیوه ای صادقانه در پیش گیرد. در راستای فقر زدایی و دیگر دوستی، بخشی از امکانات خود را در راستای رفع پاره ای از نابسامانی های میان خویشاوندان هزینه کند، به آنان که فاقد درآمد و یا توانایی کار و تلاش اقتصادی هستند، مدد رساند، به یاری حادثه دیدگان بشتابد، امید درماندگان و بی توانان باشد، و در راه آزادی و زیست سالم و بدور از رنج آدمی بکوشد، و در صراط آموزه های دینی با استواری گام بردارد، و با صلابت در برابر مشکلات پایداری ورزد، انسان دینی باید بداند که هوشمندی در راستی است و حاصل آن نجات فرد و جامعه از تنگناها و مشکلات، خدا پاراستگویان است، و کسی دیندارتر است که راستگوتر است. زیرا که پیامبر فرمود: «اقریکم منی غذا فی الموقف اصدقکم للحدیث ۴» در قیامت (و ایستگاه حسابرسی) کسی به من نزدیک تر است

عمران زمین و دستیابی به خواسته‌ها و نیازهای فردی و حفظ شخصیت اجتماعی و رفع مشکلات اقتصادی - اجتماعی است. هر اندازه ملتی در این وادی کوشا تر باشد، به کمال‌های مطلوب بیشتری دست می‌یابد.

دین از انسان می‌خواهد که مصرف و هزینه‌های خود را بر اساس کار و تلاش سامان دهد، و به این وسیله عبور از صراط و نجات از دوزخ و محو خطاها را برای خود تضمین کند، و با این گنج گرانمایه گذشته از تأمین سلامت جسمی و روانی خویش، خود را در هاله‌ای از نظر رحمت الهی افکند و با انبیا پیوند دهد.

افزایش کیفیت کاری، رعایت نظم و انضباط، کسب مهارت و تخصص، دوری از افراط کاری و خسته‌ناختن تن و روان از اموری است که در رهنمودهای دینی مورد توجه قرار گرفته است و دین باوران به سوی فعالیت‌های کاری خداپسندانه، حق‌محورانه، عالمانه و عاقلانه، فراخوانده شده‌اند. و از آدمی خواسته شده است تا برای سامان دنیایش و رفع وابستگی‌ها چنان تلاش کند که گویا همیشه زنده می‌ماند و زندگی می‌کند: «اعمل لدنیاک کأنک تعيش ابدا»<sup>۵</sup>

## ۵. ریاضت اقتصادی

از دستورات مهم و ارزشمند در فرهنگ دین، برای پیروزی بر مشکلات و کاستی‌ها بردباری است. صبری که استقامت و پایداری انسان دینی را بنمایاند و او را به تحمل هدفمندانه کمبودها و ادار، حفظ و کرامت و استقلال اقتصادی را برای جامعه اسلامی در پی داشته باشد. و آرمان‌های والا و بزرگ را دست یافتنی کند.

خردمندانه است که آدمی، عاقبت اندیشی و آینده نگری را بر لذت‌های آتی و مصارف غیرضروری، ترجیح دهد، شیفته کالاهای لوکس و تجملی بیگانگان نشود، برای تأمین نیازها به شغل‌های نامشروع دست نیازد، از بروز نیازها و کمبودها به عنوان فرصتی مغتنم برای بازسازی و سازندگی استفاده کند، با چنین شیوه‌هایی جامعه اسلامی می‌تواند آسیب‌ناپذیر شود، مسؤولان می‌توانند با بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی مردم را با فواید فراوان مصرف درست و عاقلانه آشنا سازند، و زمینه شکوفایی استعدادها و گسترش فن آوری و ابتکارات را در راستای استفاده بهینه از امکانات و منابع فراهم آورند. و

تجربه جوامعی را که با تکیه بر عنصر صبر و مقاومت توانسته‌اند رشته‌های وابستگی را بگسلند و به استقلال سیاسی - اقتصادی برسند، برای مردمان بازگو کنند، و از شعارزدگی لجام گسیخته در باب مصرف‌گرایی و فراخوانی دم‌افزون به تعیش و مصرف‌زدگی پرهیز کنند. در فرهنگ دین صابران همان تقوای پیشگانند، کسانی که راه درست زندگی رایافته‌اند، و کمال مطلوب خود را در اموری می‌جویند که از نظر شرع و عقل پسندیده است، و تلخی سختی‌ها را هدفمندانه به جان می‌خورند. اینان جز به فعالیت‌های مثبت و نیک دست نمی‌یازند، و از این روست که محبوب خداوند می‌شوند، و پیوسته رحمت و برکت بر آنان فرود می‌آید، و سرانجام رهبران راستین جهان می‌شوند. و در هر حال این وعده حتمی‌خداوند و اصل مسلم قرآنی است که با هر سختی آسانی است: «ان مع العسر یسرا»<sup>۶</sup>

## ۶. تلاش و مشارکت: زیرساخت توسعه

### پایدار

توسعه پایدار و مطلوب، تلاش همگانی و مشارکت مردمی را می‌طلبد، و زمانی در روند مناسب قرار می‌گیرد که جامعه به منزله یک پیکر تلقی شود. هر فردی خود را سلولی از آن بینگارد و هر نهاد و سازمانی به عنوان اندامی از این پیکر در تکاپو افتد، و همه افراد و اقشار جامعه خود را مسؤول بدانند و سلامت و سامانی خود را در سلامت و سامان جامعه بچینند. همگان برای پیشرفت و آبادانی و تعالی بیاخیزند، نیازمندی‌ها به یکدیگر را باور دارند، منافع ملی و جمعی را در اولویت قرار دهند، و هر کس از آنچه می‌داند و می‌تواند دریغ نوزد.

مردم رکن اصلی توسعه‌اند، خواست و مشارکت آنان از مهمترین عوامل رشد و پیشرفت است. آنان همچون ذخایری ارزشمند از توانایی‌های مختلف برخوردارند و می‌توانند انواع خلاقیت‌ها را پدید آورند.

پیش شرطها و زمینه‌های لازم برای پیشرفت بدون مشارکت و وسیع مردم آن گونه که باید فراهم نمی‌آید و نقش آفرین واقع نمی‌گردد.

در جامعه‌ای که انواع آشفته‌گی‌ها در آن پدید آید، خواست مردم مورد توجه قرار نگیرد، و مردم درک درست‌تر رشد و تعالی نداشته باشند، نورمندی

● اساسی‌ترین نماد توسعه فرهنگی - دینی ایمان به خداست، بایسته است این ایمان به گونه‌ای تار و پود انسان دینمدار را فراگیرد که آمیزه جاننش شود و در همه اعمال و رفتار او متبلور گردد، و بر آداب اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی و هر حرکت و سکون او سیطره افکند، و هیچ چیز و هیچ کس نتواند در حیات خداپاورانه او تزلزل ایجاد کند، و او را از مسیر رشد و تعالی باز دارد.

● قانونمندی جامعه را از هرج و مرج‌ها و خودسری‌ها و فساد عمومی مصون می‌دارد، هر اندازه جامعه‌ای قانونمندتر شود، به سوی رشد و تعالی شتاب بیشتر می‌گیرد، در تعالیم اسلامی حفظ امنیت و کیان جامعه و دستیابی به اهداف والا و متعالی، وابسته به قانونمندی دانسته شده است. اجرای درست قانون در جامعه از منظر دین از هر برکتی سودمندتر و از هر عبادتی برتر است.

شیفته قدرت شوند، بازار گرگ صفتانه بر مصرف کننده اجحاف کند، کارشناسان در مرداب نفاق و ریاکاری افتند، مدرک، ایزاری برای دستیابی به درآمدهای کلان درآید، رسانه ها و مطبوعات یکدیگر را متهم سازند، گروهی فساد زشتی ها را گسترش دهند، رابطه ها جایگزین قانون گرایی شود، و هر فرد دستهای در راستای تأمین منافع خود برآید، تو مار توسعه متوازن، پایدار و مبتنی بر دین در هم می پیچد و نهال آن به ثمر نمی رسد.

## ۷. مخاطرات وابستگی اقتصادی

ترویج فرهنگ خوداتکایی در آموزه های دینی مورد تأکید قرار گرفته است، و از انسان خواسته شده است تا از وابستگی های زیانبار خود رازها سازد، زیرا وابستگی اقتصادی ذلت آور و مخاطره آمیز است، به دنبال وابستگی اقتصادی، وابستگی های دیگر پدید می آید و ارزش ها و اصول دینی به عدم کارایی متهم می شود. در بیش دین خوداتکایی ریشه در شناخت خردمندانه خود و حیات اجتماعی دارد و نشانه خودباوری و آینده نگری است، و شرافت و افتخار با آن به دست می آید، و این عنصر می تواند همچون سپری توطئه ها و ترندهای سلطه جویان راناکارا سازد، و فرد و جامعه را در برابر انواع آسیب ها مصونیت بخشد.

در باور دین، آسایش و گوارایی زندگی در گرو قطع وابستگی هاست، حیات اجتماعی - اقتصادی با تکیه بر توانمندی های دیگران باید توجیه منطقی و معقول داشته باشد، و جز در موارد اضطرار بایسته نیست و از این رو آنگاه که رشته های وابستگی شروع به گسستن کند، شکوفایی و سعادت مندی در زندگی آغاز می شود. ساز و کارهای رسیدن به خودکفایی فراوانند، عناصری چون گسترش فرهنگ کار و تلاش، مشارکت مردمی، عقلانیت، علم محوری... می تواند این هدف اساسی و مهم را تحقق دهد.

پیداست که خودکفایی به معنای قطع رابطه و بی توجهی به دستاوردهای علم و فن و تجربه بشری نمی تواند باشد، زیرا این امر در جای خود از فراخوان های مهم دین است، منظور از خودکفایی چاره اندیشی درباره مسائلی است که دیر یا زود می تواند حیات یک جامعه را متزلزل سازد و آن را دچار بحران کند.

## ۸. ضابطه مندی

نظام مندی و ضابطه مندی در امور مختلف زندگی و انواع فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، از پیام های گویای دین است. در تعالیم اسلامی به تقسیم کارها، زمان بندی اوقات و فرصت ها و استفاده درست از لحظه لحظه های حیات، تأکید شده است. و از آدمی خواسته شده تا از مسامحه کاری، کار امروز را به فردا نهد، عدم انجام تعهدات و... به شدت بپرهیزد. و هر مسؤولیتی را که بر عهده می گیرد به خوبی انجام دهد.

## ۹. قانونمندی: بستر رشد و توسعه

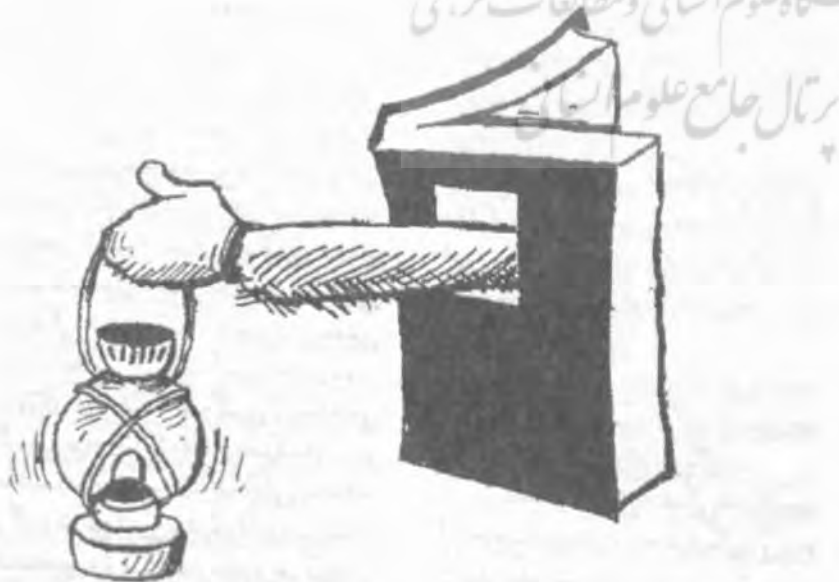
قانونمندی جامعه را از هرج و مرج ها و خودسری ها و فساد عمومی مصون می دارد، هر اندازه جامعه ای قانونمندتر شود، به سوی رشد و تعالی شتاب بیشتر می گیرد، در تعالیم اسلامی حفظ امنیت و کین جامعه و دستیابی به اهداف والا و متعالی، وابسته به قانونمندی دانسته شده است. اجرای درست قانون در جامعه از منظر دین از هر برکتی سودمندتر و از هر عبادتی برتر است. ایجاد خلل در قانون گرایی از طریق رشوه، واسطه شدن و توجه به موقعیت و مقام را دین بر نمی تابد، و از این رو حیل های قانونی همچون زخم های عفونت زا و همتای خیانت و رزوی دانسته شده است، شیوه ای شیطانی که سرانجام گریبانگیر قانون شکن می شود و در نگرش کلان، نوعی انتحار و

خودکشی است. ترندهای قانونی را نمی توان نشانه هوشمندی و زیرکی دانست، زیرا جامعه ای که در آن بی احترامی به قانون رواج یابد به نابودی می گراید.

روگردانی از ضوابط در نگرش دین مردود و مطرود است و هیچ توجیهی برای مشروعیت آن نمی توان یافت. کسی که برای بار چندم نتواند خود را با قانون سازگار کند، مرگ برایش موهبت تلقی می شود، و گردن کشان و آشوب طلبانی که آسایش و امنیت مردمان را سلب می کنند خونشان هدر است. اهمیت قانونمندی به اندازه ای است که می توان در راستای آن مال را فدا ساخت و جان را ایثار کرد، از این رو بایسته است اتقان پایبندی به قانون را نعمت و موفقیت قلمداد کند و شرافت، کرامت، آراستگی، تعالی و تکامل خود را در گرو آن بداند و پیشگام بودن در این زمینه را رشد و ترقی به حساب آورد و برای حاکمیت قانون از شهوت ها و لذت های نادرست کناره گیرد و با پاکدامنی و پارسایی کار و رفتار بایسته انجام دهد. و انسانیت و شرف خود را با بی قانونی و تأمین خواسته های نامشروع دیگران لگد کوب نسازد.

## ۱۰. امید و نشاط

از ویژگی های خاص فرهنگ دینی امید نشاط انگیزی است که در روان فرد فرد دینداران موج می زند، و آنان را به شور و فعالیت وامی دارد، امید به رحمت بی پایان الهی، امید به امدادهای



غیبی، امید و انتظار مصلح بزرگ جهانی - که در همه ادیان به نوعی وعده داده شده است - امید به فرج و گشایش کارها، امید به وعده‌هایی که خدا در کتاب آسمانی قرآن داده است و مدینه فاضله جهانی را از آن انسان‌های صالح دانسته است و یقین به این که وعده خدا تخلف ناپذیر است، امید به زندگی جاوید در جهان دیگر و...

با چنین روح امید است که مسلمان هیچ‌گاه درها را به روی خود بسته نمی‌داند و هیچ وقت خود را در بن بست کامل نمی‌انگارد و در هر شرایطی از انجام وظیفه باز نمی‌ایستد. و این چنین است که گفته‌اند: «اگر قیامت به پا شود (و کار جهان خاتمه پذیرد) و انسان نهالی در دست داشته باشد، و بداند که به اندازه کاشت آن وقت دارد، باید آن را بکارد»<sup>۷</sup>.

### ۱۱. فرهنگ امانت‌داری

فرهنگ امانت‌داری، از راهکارهای رواج راستی و درستی در جامعه و از عوامل پیشرفت آن است در نگرش دین، امانت‌داری ملاکی برای سنجش ایمان به حساب می‌آید و آنان که امانت‌دارترند با فضیلت‌ترند. ادای امانت موجب قرب خدا و رستگاری ابدی آدمی می‌شود و خورد و کلان، نژاد و رنگ و منطقه جغرافیایی خاص نمی‌شناسد. باید ادا شود اگر چه امانت از آن فاسقان، خائنان و دشمنان دین باشد.

نیز بر اساس تعالیم دینی، بینش عقلانی، توانمندی‌های علمی، امکانات مالی و اقتصادی، همه امانت‌هایی است که در اختیار انسان نهاده شده است و ادای آنها به این است که آدمی در راستای تقارن سطح زندگی هابکوشد، به رشد علمی دیگران یاری رساند، توانمندی‌های خود را در راستای آرزو و ناکامی دیگران به کار نگیرد و حقوق مردمان را پاس دارد. از سویی در جهان بینی دینی، همه دین و دنیا، قانون‌ها و رهنمودهای دینی و مسؤولیت‌ها، امانت دانسته شده است و بایسته است امانت‌ها به انسان‌های فرهیخته و لایق سپرده شود و از دسترس خائنان و تباہ‌کنندگان دور بماند.

### ۱۲. تقارن سطح زندگی

فرهنگ دین، فرهنگ اخوت، انفاق، موااسات، وقف، وام دهی به نیازمندان، شرکت دادن فقیران در توانمندی‌های اقتصادی، تأمین اجتماعی، پرداخت حقوق مالی و فرهنگ احساس مسؤولیت نسبت به آنچه دارد و ادای

ماله، فلیس بمؤمن ولا مسلم ولا کرامه له<sup>۱۴</sup> هر کس قیراطی (یک پنجم گرم) از زکات مال خود را نبردازد، مسلمان و با ایمان نیست، و (در نظر دین) کرامتی ندارد.

### ۱۳. پایبندی به تعهدات

قرآن آکنده از پیام لزوم پیمان داری است. و تخلف ناپذیری وعده‌های الهی به عنوان یکی از صفات آشکار خدا بارها در این کتاب آسمانی آمده است. و بر این اساس دیندار راستین نیز کسی است که به تعهدات فردی، اجتماعی و اقتصادی خود پایبند باشد و به این وسیله نجابت، فضیلت و اصالت خود را بنماید و باعث گسترش فرهنگ امانت‌داری و خرداندیشی گردد. بی مسؤولیتی در این زمینه نشانه کج‌اندیشی و دورویی است. و روندی است که به نابسامانی در زندگی اجتماعی می‌انجامد، به شعله‌ور شدن کینه‌های انجامد و موقعیت فرد و جامعه را متزلزل می‌سازد.

در راستای وفاداری به تعهدات یادآوری سه نکته به جا است:

الف. گرچه انجام تعهدات و فایده عهد در حق فاسق نیز باید رعایت شود، ولی در برابر پیمان شکنان و حیله‌گران، وظیفه پیمان شکنی است و این خود عین وفاداری به حساب می‌آید.

ب. وفا به وعده از هر کسی زبیده و به جا است و این آراستگی از سوی زمامداران و آنان که مقام و موقعیت دارند، بایسته‌تر است، از این رو دین تأکید دارد که مسؤولان و ثروتمندان در انجام تعهدات و وفا به وعده‌ها نسبت به فرودستان و گروه‌های محروم جامعه حساسیت بیشتر از خود نشان دهند.

ج. باید در نظر داشت که قرار و تعهد به منزله باری است که انسان بر دوش خود می‌نهد و خویش را در بندگی کشد، دردی است که انسان از سر اختیار پذیرای آن می‌شود، تنها انجام تعهد است که انسان را از این اسارت می‌رهاند و فقط وفا به وعده است که این درد را درمان می‌کند، از این رو به جا است پیش از وعده و تعهد دقت‌های لازم به عمل آید، آگاهانه و عاقلانه نسبت به آن اقدام شود. مباد که فسان و عطفی دهد که مطمئن ندارد در عهد وفا می‌آید. و باید بیم داشت از تعهدی که انسان توانایی انجام آن را ندارد و در هر حال در این زمینه بایسته است از هر نوع آینده‌نگری خوشبینانه پرهیز شود.

وظیفه در برابر مردم است. برای هر یک از این امور تعالیم فراوانی از پیامبر (ص) و امامان (ع) رسیده است و خاستگاه آنها در قرآن وجود دارد. از آن جا که بحث درباره هر یک از این مسائل به طولانی شدن این نوشتار می‌انجامد، نمونه‌هایی از آموزه‌های دینی بازگویی شود:

- امام رضا (ع): اعلم... ان حق الاخوان واجب فرض لازم... ابدلوا النفوس والاموال دونهم... و مساواتهم فی کل ما یجوز فیہ المساواه<sup>۸</sup> بدان که رعایت حق برادر ایمانی یک تکلیف الزامی است... جان و مالتان را برای آنها نثار کنید... و در آنچه مساوات (و تقسیم امکانات) جایز است، با آنها مساوات کنید.

- امام علی (ع):... فقراه المسلمین، اشركوهم فی معیشتکم<sup>۹</sup> فقیران مسلمان را در زندگی‌شان شریک خودسازید (از آنچه دارید آنان را بهره‌مند کنید).

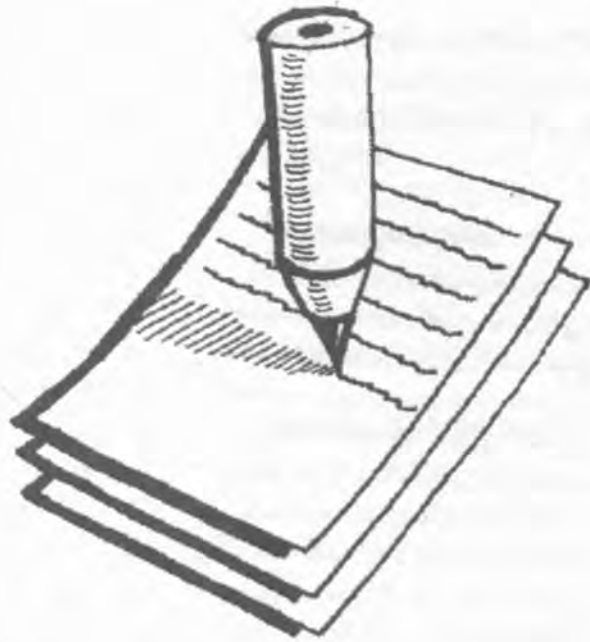
- پیامبر (ص): لم یبعث لجمع المال، ولكن بعثنا لاتفاقه<sup>۱۰</sup> بر آن گسیخته نشده ایم برای جمع‌آوری اموال (و ایجاد نظام طبقاتی و انباشته ساختن انبوه امکانات در دست گروهی خاص) بلکه مبعوث شده‌ایم برای انفاق مال (و بهره‌مند ساختن همگان از دارایی‌ها و توانمندی‌ها).

- امام علی (ع): یابن آدم! کن وصی نفسك، واعمل فی مالک ما توثران بعمل فیہ من بعدک<sup>۱۱</sup> ای انسان! وصی خودت باش، با مال (و توانمندی‌های اقتصادی خود) همان کن که می‌پسندی که بعد از تو در آن اقدام شود.

- پیامبر (ص): من احتاج الیه اخوه المسلم فی قرض فلم یقرضه حرم... علیه الحنہ<sup>۱۲</sup> هر کس برادر مسلمان نیازمندش از او درخواست قرض کند، و او (با توانمندی اقتصادی) به او قرض ندهد، خداوند بهشت را بروی حرام گرداند.

- مر شیخ مکفوف کبیر یسال، فقال امیر المؤمنین (ع): «ما هذا؟» فقالوا: یا امیر المؤمنین نصرانی! فقال امیر المؤمنین (ع): «استعملتموه حتی اذا کبر و عجز منعموه؟ اتفقوا علیه من بیت المال» پیر مرد کهنسالی کوری که گدایی می‌کرد گذشت، امیر المؤمنین (ع) پرسید که: «این چیست؟» گفتند: یا امیر المؤمنین! نصرانی است. گفت: «از او چندان کار کشیدید تا پیر و ناتوان شد، حال به او چیزی نمی‌دهید؟ خرج او را از بیت‌المال بدهید»<sup>۱۳</sup>.

- پیامبر (ص):... من منع قیراطا من زکاه



#### ۱۴. همبستگی اجتماعی

در جامعه اسلامی راستین افراد بهم پیوسته اند. این همبستگی اجتماعی، زیست اقتصادی - اجتماعی پویا و پایسته را برای آتیمان به همراه دارد زیرا بر اساس اخوت اسلامی هر مسلمان در سوبدلی دلش حرصانه سعادت مندی مردم را آرزو می کند، و تمام هم او این است که از ناحیه رفتارها و اقداماتش آسیبی متوجه دیگران نشود، و خسارتی بر آنها وارد نیاید.

همبستگی اجتماعی می طلبد که انسان در رفتارهای اجتماعی شرکت جوید، و به آگاهی های لازم مجهز شود، و در برابر دشمنان دوشادوش دیگر افراد جامعه جهاد مالی و جانی کند.

در راستای همبستگی اجتماعی به جاست افراد جامعه چون اعضای یک خانواده تلقی شود، هر فرد بزرگسالان و تجربه اندوختگان را چون پدران دلسوز و مشفق بداند، و اندرزهای ناب و نغز آنها را به گوش جان بشنود، زنان سالمند جامعه را که عمری سپری کرده اند و برای تربیت انسان های مطلوب و فرهیخته نقد جوانی باخته اند، چون مادر فداکار خود تلقی کند و بارعایت حقوق آنها و شناخت منزلت و جایگاهشان محترمانه در خدمت به آنان کمر همت بیند.

به همسالان چون برادرانی مهربان و خیرخواه بتنگرد، و رفتار نادرست نسبت به آنها را ظلم به

در ستیز است. تاریخ ادیان، زندگی انبیا حاکی از قیام آنها در برابر انواع خرافه هاست که بیشتر در قالب بت پرستی به شیوه های گوناگون نمود می یافته است. و از اهداف مهم دین پاکسازی زندگی بشر از خرافه ها و باورهای نادرست است، اسلام خود در برهه ای از زمان، و در سرزمینی ظهور کرد که انواع خرافه پرستی ها در آن رواج داشت، کعبه آکنده از بت های قبیایل مختلف بود.

رایج ساختن خرافه ها و سنت های نادرست که با روح دین در تضاد است، در جامعه دینی بدعت است. کسانی که به این خرافه آب و رنگ می دهند، و در راستای احیای آنها می کوشند شیطان صفت و اغواگرند. دین نخبگان جامعه را موظف می سازد که با ابزار علم و آگاهی های علمی از فرو غلطیدن مردم در باورهای نادرست جلوگیری کنند، چه این که باورهای غلط عامل گمراهی و پوشاندن چهره واقعی دین می گردند. همچنین گرایش دینی را آسیب پذیر ساخته، انسان ها را از مسیر صحیح رشد باز می دارند.

در راستای خرافه زدایی لازم است امور زیر مورد توجه قرار گیرد:

**الف.** از منظر دین، شانس و اقبال، ایام هفته، سال، ... ستارگان، خورشید و ماه، هیچ دخالتی در سر نوشت انسان ندارند، و فقر و ثروت برای فردی رقم نمی زنند. بلکه موجوداتی در جهان خلقتند که خالق حکیم بر اساس حکمت خود آنان را آفریده است، و مایه پایداری و هستی جهان اند.

**ب.** انواع پرندگان و حیوانات نیز در بهترین وجه پایسته خود آفریده شده اند، و هر کدام در نوع خود، عالی ترین مراتب کمال زیستی را دارایند، صدا، حرکت و سکون آنها بر اساس اقتضای ذات و طبیعت آنهاست. و همه باید در حد خود از مواهب حیات بهره مند شوند، و زنجیره حیات را که از تک سلولی ها آغاز می شود و به انسان خاتمه می یابد، زنده و فعال و پیوسته نگه دارند.

بنابراین فال به نسبت به بعضی از آنها و پیش بینی های نابخردانه بر اساس صدای آنها، شیوه و اندیشه ای ناپجا و بی مورد است.

**ج.** مسلمان مسأله قضا و قدر را باور دارد، اما آن را کار خدایی می داند، که از حیثه توان فکری و درک بشر خارج است. در این نگرش وظیفه

خودانگاری آنچه را نسبت به خود نمی پسندد در حق آنان اعمال نکند. به آنان که از نظر سنی از وی کوچکترند (خردسالان، نوجوانان، جوانان) از زاویه نگاه پدر به فرزند نظر افکند، نوباوگان جامعه را فرزندان خود بداند که نیازمند تربیت بر اساس حقایق ناب دینی اند.

آری، پیوند مسلمان با مردمی که جامعه اسلامی را شکل داده اند و برادران ایمانی اویند، پیوندی است ناگسستی، زیرا خالصانه و ارزشمندانه است. مسلمان از سر حرص، طمع، خودباختگی، ترس، ... و هوای نفس با کسی عقد اخوت نمی بندد. این که در آموزه های دین آمده است انسان در خلوت سحرگهان مؤمنان را دعا کند و این که در بیشتر دعا های مأثور خواست ها عام است «اللهم اغن کل فقیر...» اشبع کل جائع... اصلح کل فاسد من امور المسلمین...» ۱۵ نشانه خلوص انسان دینی را در این پیوند اجتماعی می رساند.

در پرتو این اتحاد و برادری است که جامعه اسلامی چون دژی نفوذناپذیر در برابر آفت ها و خطر ها مصونیت می یابد، و از دشواری مسایل اقتصادی بحران زامی کاهد.

#### ۱۵. خرافه زدایی

فرهنگ دین با خرافه پرستی و خرافه گرایی

هر کس انجام وظیفه در حد توان و تلاش به اندازه طاقت است، اما نتیجه هرگز به طور صددرصد تعیین نمی شود، گرچه قابل پیش بینی است. - به این شرط که «خواست خدا» ضمیمه آن شود.

این جاست که قضا و قدر را کسی نمی تواند بهانه ای برای کم کاری، تنبلی، و عقب ماندگی خود عنوان کند، و از آن برداشتی سوء و نادرست نماید.

۵. غارنشینی، خلوت گزینی، ترک خانواده و مردم و محروم ساختن خود از نعمت های خداوند و لذت های مشروع، در اسلام جایگاهی ندارد. از سویی دین اجازه نمی دهد که مسلمان برای سامان یابی خود به دغلبازان - که در لباس پیشگویان ظاهر می شوند - رو آورد، و دست به دامان آنها شود.

۵. در بینش دین، سرنوشت هر فرد و جامعه ای تغییرپذیر و وابسته به اقدام و اختیاری است که وی انتخاب می کند. بنابراین در پیشانی هیچ فردی در آغاز تولد، فقر یا ثروت نوشته نشده و جامعه ای از قبل محکوم به ناداری و حرمان نگشته است.

۹. تقلید از سنت ها و آداب فرهنگی نابخردانه پیشینیان جهل محض است. و آن جا که لازم آید، مسلمان می تواند برای تغییر وضع نامطلوب موجود خود، به مهاجرتها دست یازد، و در افق بیکران جهان، در جست و جو شود.

با توجه به این نکات می توان دریافت که تنها نیت های درونی و عملکردهای بیرونی است که در زندگی انسان ها نقش آفرینند، سعادت و شقاوت در زندگی فردی و اجتماعی، به میزان رشد مثبت یا منفی آنها نمود پیدا می کند.

## ۱۶. علم محوری

قرآن یکی از اهداف مهم انبیا را تعلیم و تربیت می شمارد و استعداد آموختن و آموزش دادن را کرامتی می داند که ارزشی انسان شده است. در تمثیل قرآن نادانی و فقر علمی، گوری و سیر در تاریکی است. و در مقابل برخورداری از بینش علمی و دستیابی به دانش های مطلوب، بینایی و مشاهده عینی پدیده ها، علت ها و رابطه هاست. و از این روست که قرآن با لحنی شفقت آمیز روشن می سازد که دانشمندان و فرهیختگان

علم و ادب، هرگز با نادانان برابری ندارند.

بنابر رهنمودهای دین، علم و دانش بنیان هر حرکت مثبت، و عامل چیرگی بر مشکلات، و ملاک برتری فرد یا جامعه ای بر فرد و جامعه دیگر است. آگاهی به فرایتهای هر زمان، و کشف ناشناخته های بیشتر، شرط برتری علمی به حساب می آید.

علم، راه درست زندگی را می نماید، و از این روست که اسلام در راستای زدایش فقر فرهنگی از همگان می خواهد که به جهاد علمی برخیزند، بیاموزند و بیاموزانند، و دانش را در هر کجا هست به دست آورند، و در دانش پژوهی، زمان و وقت خاص نشانند. و هرگز احساس خستگی و افسردگی نکنند. و در صورت لزوم در این مسیر هر مشکلی را پذیرا شوند، و هر رنجی را تحمل کنند تا با بینش علمی درست حقیقت دین را دریابند، و از دانش علمی و فن آوری لازم برخوردار گردند، و به حیات واقعی دست پیدا کنند.

پیداست که از منظر دین، آندیشوری مطلوب آن است که عالی ترین صفات انسانی را در انسان نهادینه کند، فروتنی آورد، حسادت ببرد، زشتی باطل گری و دلانگیزی حق محوری را بنمایاند، به راست گویی، مخالفت با هوس ها، و پرهیز از نادرستی ها بینجامد، حرص، بخل، خدعه گری را از نهاد آدمی بردایند و لورا نوع دوست و خداترس سازد، و در سلامت تن و روان آدمی نقش آفرین واقع شود.

و از این رو دانش پژوهی برای دنیا طلبی و استثمار دیگران، فخر فروشی، ریاست خواهی، تحقیر دیگران و... انحراف در صراط علم آموزی است، و همچون باری بر دوش انسان می گردد، و بیشتر آدمی را از صراط حق جوینی و یکپارستی دور ساخته، و بر اضطراب ها و نگرانی های او می افزاید.

## ۱۷. عقلانیت

عقل، این نخستین موجود آفرینش، در فرهنگ دین از پایگاهی بس استوار و اصولی برخوردار است، بینش عقلانی، بنیادی ترین عنصر در رشد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و اساس دین باوری و اعتقاد به خداست.

در نگرش دین، عقلانیت آن است که در انسان عطش علمی ایجاد کند، نسبت به همه چیز و هر کار آدمی خود را نیازمند شناخت و آگاهی

## ● عقل، این نخستین موجود

آفرینش، در فرهنگ دین از

پایگاهی بس استوار و اصولی

برخوردار است، بینش عقلانی،

بنیادی ترین عنصر در رشد

فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی است و اساس

دین باوری و اعتقاد به

خداست. در نگرش دین،

عقلانیت آن است که در انسان

عطش علمی ایجاد کند، نسبت

به همه چیز و هر کار آدمی خود

را نیازمند شناخت و آگاهی

بداند، در رشته های مختلف

علمی تحقیق کند، در هر امری

عالمانه بنگرد و خردمندانه نظر

دهد.



بداند، در رشته‌های مختلف علمی تحقیق کند، در هر امری عالمانه بگردد و خردمندانه نظر دهد. استفاده مناسب از فرصت‌ها، استواری در بحران‌ها و فراز و نشیب دوران‌ها، انجام وظیفه درست در مسؤولیت‌ها و در حیات اجتماعی - اقتصادی از پیامدهای خرداندیشی است. با بهره‌گیری مناسب از دو عنصر اساسی عقل و علم می‌توان بهترین برنامه‌ریزی‌ها را در جامعه به عمل آورد، و اموال و سرمایه‌ها را به صورتی نیک و ارزنده در خدمت رفاه و سعادت انسان‌ها و نسل‌ها به کار گرفت. و نظام تولید، توزیع و مصرف را به گونه‌ای درست سامان داد. و از منابع، معادن، آب‌ها، سرمایه‌های مادی و نیروهای انسانی، و فرصت‌های طلایی زمانی، استفاده بهینه کرد. بر اساس آموزه‌های دین، خردمند کسی است که زمام خواهش‌های نفسانی و شهوت‌ها را در دست گیرد، خواهان آسایش و رفاه مردمان گردد و نسبت به آنان رحم و عطف و ورزد، و از خطاهایشان در گذرد و نفس خویش را به محاسبه‌گری، رازداری و قناعت وادارد، در پرتو رهنمودهای دین بر رشد اخلاقی و تربیتی خویش بیفزاید و برای اقامه حق و استواری قسط و عدل در جامعه بکوشد، با اخلاص، صادقانه و خستگی‌ناپذیر برای احیای دین و آبادانی دنیا تلاش کند. خدا را بر اعمال خود ناظر بداند و با عاقبت‌اندیشی و اطمینان نسبت به کارایی راهکارها و اقدامات، تصمیم بگیرد.

عاقل کسی است که زمان خود را بشناسد و منزلتش را دریابد، و با افزایش آگاهی‌ها و شناخت، در مرداب افکار انحرافی، و مسایل اشتباه برانگیز سرگردان نشود.

با دیگران به مشورت نشیند، و خودرایی و نورگویی را ترک کند. و به سوی کارهای سازنده و چاره‌سازیتشابد. و از آنچه به صلاح دین و دنیاست غافل نماند.

و این چنین است که در فرهنگ دین عقل، زیوری است ارزشمند، و نور افکنی است برای تشخیص صواب‌ها از ناصواب‌ها، بازشناسی رستگاری از تباهی. عقل اصل انسان و اساس زندگی اوست. و ابزاری است برای دستیابی به اهداف انسانی، با استفاده از آن می‌توان هر نوع کمبودی را جبران کرد و بر هر مشکلی چیره گشت.

عقل، پیامبر درون است، و ملاکی برای

## ۱۸. عدالت

از مهمترین اصولی که دین، مردمان را به آن فرا خوانده است، بر پایی قسط و دادگری میان مردمان و برقراری عدالت اجتماعی - اقتصادی است. پیامبران خدا برای استوار سازی عدالت و داشتن مردم به عدل کوشش‌های بسیار کردند و در قرآن یگانه هدف اساسی و محوری پیامبران بر پایی قسط و عدل دانسته شده است.

قلمرو عدالت بسیار گسترده است، و همه شئون زندگی را در بر می‌گیرد، قوام هستی و جهان به عدل است، و آسمان‌ها و زمین بر تراز عدلانه استوارند. عدالت در تولید، توزیع و مصرف، عدالت در تقسیم کار میان همه مردمان، عدالت در میزان ثروت و سرمایه برای انسان‌ها، عدالت در تقسیم ثروت‌های عمومی، عدالت در نرخ گذاری و نظام بازار، عدالت در هماهنگی بخش‌های مختلف اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات) از مهمترین بخش‌های حوزه وسیع عدالت است. همچنین در تعالیم دینی عدالت در آموزش، در دستگاه قضایی و داوری میان افراد، در خانواده و روابط فامیلی، در مدیریت و مسؤولیت‌ها، در عبادت و در برخورد با دشمنان،... سفارش شده است.

بنابراین بایسته است مردمان این عصاره حیات و نیاز اساسی و خواست همگانی را خوب بشناسند، و دریابند که ارزش‌ها و تعالیم دین در پرتو آن شکوفا می‌شود، نظام سیاسی با آن پایدار

ارزیابی انسانیت انسان، و معیاری برای کمال‌یابی آدمی. در خواری‌ها عزت بخش است، و در ناکامی‌ها پایگاه صعود، و در حیرت‌ها ارشادگری است بایسته، دوستی است خیراندیش که تنهایی آدمی را به همگرایی تبدیل می‌کند و با پرچمداری در زیست اجتماعی، تولدی نوین نصیب آدمی می‌سازد، فرد و جامعه‌ای که در آن بینش عقلانی افول کند، در بستر مرگ می‌افتد و انتظار بهبودی و سامان‌یابی آن ره به جایی نمی‌برد.

آری، عقل بهترین موهبتی است که ارزانی آدمی شده است، شیفتگان ثروت و مال، دیوانگان قدرت و ریاست، دلدادگان خودنمایی‌های علمی دنیامدارانه، خواستاران ستایشگری و چاپلوسی، در نگاه دین عقلانیت سالم ندارند، چه این امور همچون گردبادی آدمی را در بر می‌گیرد و با ایجاد انحراف در مسیر حقیقت‌یابی، او را به دره شقاوت‌ها فرو می‌غلتاند.

و بدین گونه است که خواب خردمندان برتر از شب بیداری جاهلان، و زندگی معمولی آنها والاتر از عبادت ناآگاهان است، و اقامتشان سودمندتر از هجرت نابخردان. و سرانجام باید دانست که عقل و عقل‌گرایی در پیش دین، با همه ویژگی‌ها، به سوی هدفی متعالی و برتر از جهان مادی در حرکت است. و انسان را به عبودیت حق رهنمون می‌شود و با جاودانگی و ابدیت پیوند می‌دهد.



می ماند و توده مردم با اجرای عدالت به سطح زندگی مطلوب دست می یابند و آبادانی و سازندگی واقعی در جامعه شکل می گیرد و زمینه برای رفع نابسامانی ها فراهم می آید آشوب ها و عصیان ها فرو می نشیند و انسجام اجتماعی پدید می آید. و از این رو تحقق همه جانبه آن در جامعه یک ضرورت و برای سیاستگذاری ها و برنامه ریزی ها، امری لازم است. برای این منظور راهکارهای متعددی در تعالیم دینی آمده است: تقسیم عادلانه امکانات و منابع و ایجاد فرصت های رشد مناسب برای همگان، اصلاح سیستم مالیات ستانی، برنامه ریزی برای دریافت مالیات های ثابت و اقدامات و کمک های مردمی، نفی تبعیض طبقاتی و نژادی، سالم سازی در آمدها، تأمین اجتماعی، تغییر جهت سرمایه گذاری ها به نفع محرومان و فرودستان و... از آن جمله اند.

### ۱۹. حفظ محیط زیست

فرهنگ دین، فرهنگ پاسداری از محیط زیست، و آلوده نساختن آب ها، فضای زیست حیوانات خشکی و دریایی و پاک نگه داشتن هوا از آلاینده ها برای تنفس و سلامتی است، و تلاش برای حفظ جنگل ها و سرسبز ساختن محیط زندگی انسان.

در بسیاری از موارد قرآن آن جا که از نعمت های بهشتی سخن به میان می آورد، از جنگل های انبوه و نهادهای جاری در میان آنها یاد می کند. و نیز در نگرش قرآن، گونه های حیوانی، در کره خاک حق زیستی همتای انسان دارند. و از این رو بایسته می نماید که فضای لازم برای زندگی آنها حفظ شود و در خطر انقراض قرار نگیرند و چرخه پرشتاب توسعه تکنولوژیکی، روح و فضای زندگی را از آنان باز نستاند در تعالیم دین محیط سبز و نظاره بر آن مایه انبساط خاطر دانسته شده و گردشگری و سفر به محیط های فرح زا مورد توجه قرار گرفته است. و از سویی، آزاررسانی به حیوانات امری ناپسند و صیادی و شکار حیوانات در صورت عدم اضطراب کاری ناپایست به حساب می آید و کسب درآمد به وسیله فروش پوست حیوانات درنده ناصواب معرفی شده است. و از آن سوی دین، از مردمان خواسته تا جانوران تشنه را سیراب سازند، به پرندگان پناه دهند.

امام صادق (ع) درباره محیط زیست در تعلیمی پس ارزنده هشدار می دهد: «احسنوا جوار نعماً... واحذروا ان تنتقل عنکم الی غیرکم، اما انها لم تنتقل عن احد قط فکادت ترجع الیه... کان علی (ع) یقول: «قلما ادبر امر فاقبل»<sup>۱۶</sup> در کنار نعمت های خدا (آبها، خاکها، جنگل ها، منابع و معادن، هوا و...) به نیکی (و آن گونه که بایسته است) همسایگی کنید، برسید از این که (در اثر برخورد های نادرست شما) این نعمت ها از جوار شما رخت بریند و به غیر شما انتقال یابد، هان! یا خیر باشید که این نعمت ها (هرگاه) از میان جامعه ای درخت بریند، به آن باز نمی گردد چه امام علی (ع) می گفت: بسی اندک اتفاق می افتد که چیزی (از انسان) روی گرداند و سپس روی آورد.

در پایان یادآور می شود: نمونه های فوق، تنها برخی از عناصر فرهنگی توسعه به شمار می روند، که در این نوشته، به اختصار تمام به یادآوری برخی از آنها پرداخته است بی شک پی کاوی عناصر فرهنگی توسعه از جمله موضوعاتی است که محتاج درنگ و پژوهش های دراز دامنی است. ذکر این نکته نیز لازم می نماید که نسبت به مقوله عناصر فرهنگی توسعه از منظر دین، تاکنون غفلت شده است و این موضوع مهم در پژوهش های مربوط به توسعه تقریباً بیگانه است. به هر روی این نوشتار را فقط باید به عنوان مقدمه ای شتاب زده در بحث عناصر فرهنگی از چشم انداز دین تلقی کرد.

### پی نوشت ها:

۱. یوسف ۵۳/۱
۲. میزان الحکمه ۲۲/۵۱
۳. همان ۶۱۵/۵
۴. همان ۲۸۵/۵
۵. همان جا.
۶. الحیاه ۶۱/۵
۷. اشراح ۶۱
۸. الحیاه ۳۴۴/۵
۹. بحار ۷/۱۷۱-۲۳۶
۱۰. الحیاه ۱۰۷/۶
۱۱. همان ۲۴۳/۵
۱۲. همان ۲۶۷/۵
۱۳. همان ۹۸/۶
۱۴. ترجمه الحیاه ۷/۲-۷۳۶
۱۵. الحیاه ۲۲۸/۶
۱۶. مفتاح الجنان ۱۷۷
۱۷. وقتی ۲۶۷/۱۰

● فرهنگ دین، فرهنگ اخوت، انفاق، موااسات، وقف، وام دهی به نیازمندان، شرکت دادن فقیران در توانمندی های اقتصادی، تأمین اجتماعی، پرداخت حقوق مالی و فرهنگ احساس مسؤوولیت نسبت به آنچه دارد و ادای وظیفه در برابر مردم است. برای هر یک از این امور تعالیم فراوانی از پیامبر (ص) و امامان (ع) رسیده است و خاستگاه آنها در قرآن وجود دارد.

